

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۲۷

تاریخ چاپ مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

حمید قاسم زادگان جهرمی^۱، اسماعیل بنی اردلان^۲، بهروز محمودی بختیاری^۳

تأثیر نمایش خلاق در بازیابی و توسعه مهارت و نگرش خلاق کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر

چکیده

نمایش خلاق شیوه‌ای برای آموزش و یادگیری بر مبنای گرایش جهانی به بازی نمایشی است که در همه‌ی انسان‌ها یافت می‌شود. یکی از ابزارهای هنری مناسب در آموزش، هنر نمایش است. نمایش درمانی یا همان نمایش خلاق از انواع هنر درمانی است که در مراکز آموزشی به نتایج مثبتی رسیده است و می‌توان از آن در فعالیت‌های آموزشی کودکان عقب‌مانده‌ی ذهنی استفاده کرد. نمایش یکی از ارکان بازی است و به دلیل داشتن جنبه‌های گوناگون می‌تواند بسیاری از توانایی دانش‌آموزان را از قوه به فعل تبدیل کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر نمایش خلاق در بازیابی و توسعه مهارت و نگرش خلاق کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر انجام گرفت. طرح پژوهش حاضر، از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل است که از منظر هدف، در زمره‌ی تحقیقات کاربردی محسوب می‌شود. جامعه‌ی آماری شامل همه‌ی دانش‌آموزان دختر و پسر کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر، پایه پنجم و ششم ابتدایی به تعداد ۱۸۰ نفر است که از این تعداد ۳۰ نفر (۱۵ نفر به‌عنوان گروه کنترل و ۱۵ نفر به‌عنوان گروه آزمایش) به‌صورت غیرتصادفی با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌های حاصل از پژوهش با استفاده از شیوه‌ی کواریانس چندمتغیری و تحلیل کواریانس یک‌راهه تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که نمایش خلاق بر مهارت‌های ادراکی در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس تأثیر دارد. نمایش خلاق بر توانایی یادگیری در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس تأثیر دارد. نمایش خلاق بر قابلیت حل مسأله در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس تأثیر دارد. نمایش خلاق بر توسعه زبان در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس تأثیر دارد و بنابراین دانستن تأثیرات نمایش خلاق در رفع مشکلات آموزشی کودکان عقب‌مانده‌ی ذهنی کمک می‌کند تا در درمان، قدم‌های محکم‌تری برداشته شود. با توجه به تأثیرات مثبت شیوه‌های آموزش نمایشی (نمایش خلاق) در بهبود توسعه‌ی مهارت و نگرش خلاق کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر، در نظر گرفتن واحد خاصی تحت این عنوان در برنامه‌ی آموزشی ویژه مفید است.

واژگان کلیدی: کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر، نمایش خلاق، نمایش درمانی

^۱ دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر پردیس فارابی، دانشگاه هنر، تهران، ایران
Email: hamidghasemzadegan@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران (نویسنده مسؤل)
Email: Bani.ardalan@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه هنرهای نمایشی، دانشکده هنرهای نمایشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
Email: mbakhtiari@ut.ac.ir

مقدمه

عقب ماندگی ذهنی یا به اصطلاح دیگر نارسایی رشد قوای ذهنی موضوع تازه و جدیدی نیست، بلکه در هر دوره و زمان افرادی در اجتماع وجود داشته‌اند که از نظر فعالیت‌های ذهنی در حد طبیعی نبوده‌اند (Yeterge et al, 2019: 75) عقب ماندگی ذهنی می‌تواند منجر به مشکلات رفتاری زیادی شود که شامل پرخاشگری^۱، آسیب به خود^۲، رفتار مخرب^۳، بیش‌فعالی، عادات عجیب و غریب^۴، رفتار اجتماعی و جنسی نامتناسب است (Culha, 2020: 55; Emerson, 2001: 78). انواع شدید مشکلات رفتاری می‌تواند بسیار خطرناک باشد و به رشد شخصیت صدمه بزند، فرصت‌های یادگیری و رفتار سازگاران را کاهش می‌دهد و سرانجام کیفیت زندگی شخصی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Matson, 2007: 69). در مورد کودک کم‌توان ذهنی با توجه به محدودیت‌های ویژه‌ی آن‌ها نسبت به کودکان عادی می‌توان انتظار داشت که رفتارهای سازش‌نا یافته‌ی بیشتری از آن‌ها بروز کند؛ آن‌ها به سبب محدودیت‌های مختلف که غالباً از محدودیت‌های شناختی آن‌ها ناشی می‌شود، با شکست‌های متعددی روبه‌رو می‌شوند (افروز، ۱۳۹۸: ۴۸). کم‌توانی ذهنی بیماری نیست بلکه نتیجه فرایندی است مرضی در مغز که مشخصه‌ی آن محدودیت در کارکرد هوشی و انطباقی است. افراد کم‌توان ذهنی برای یادگیری تکالیفی که بسیاری از همسالانشان به‌طور عادی یاد می‌گیرند، به کمک خاص نیاز دارند (افروز، ۱۳۹۸: ۶۳). ویژگی اصلی کم‌توانی ذهنی عبارت است از نقص‌های شناختی مثلاً (حل مسأله، برنامه‌ریزی، استدلال، قضاوت). عملکرد سازگاران معیارهای تشخیص هم بر اهمیت توانایی‌های شناختی و هم بر عملکرد شناختی تأکید دارند (Magnuson, 2008: 205). تحقیقات نشان داده است که افراد کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر چنان‌چه در انجام تکالیف تحصیلی احساس ناتوانی کرده، با عدم موفقیت روبه‌رو شوند و یا تکالیفی فراتر از ظرفیت خود دریافت کنند و یا در زمان محدود اجبار به انجام تکالیف داشته باشند از ادامه فعالیت دست کشیده و به آسانی شکست را می‌پذیرند (پزشک، ۱۳۹۳: ۳۸). از آنجاکه برخی از دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی برای یادگیری مهارت‌های خاصی به زمان نسبتاً طولانی نیاز دارند، بهتر است که آشنایی آن‌ها با این مهارت‌ها هرچه زودتر در مدرسه ابتدایی شروع شود (Aguila, 2004: 76). در این میان توان‌بخشی و شرکت آنان در کلاس‌های آموزشی مختلف و کسب موفقیت در این کلاس‌ها عزت‌نفس و خلاقیت آن‌ها را افزایش می‌دهد (پزشک، ۱۳۹۳: ۵۹). محققین، خلاقیت را ایجاد طرحی جدید با ارزش و متناسب می‌دانند؛ به تعبیری خلاقیت توانایی ایجاد یک نظریه بدیع یا تطبیق دادن نظرات دیگران است؛ و اغلب «توانایی دستیابی به چیزی به شکلی نو و بدیع است.» (Zoltan & Laszlo, 2011: 44). یکی از حوزه‌های مرتبط با آموزش و پرورش هنر است. هنر می‌تواند در آموزش‌های مختلف کاربرد مؤثری داشته باشد (نظری، ۱۳۹۱: ۸۶). اگرچه هنردرمانی هنوز در مدارس به‌عنوان روشی برای کمک به ناتوانی‌ها مورد استفاده قرار نگرفته است، اما تحقیقاتی وجود دارد که مفید بودن آن را مورد بررسی قرار داده و این روش را در مدرسه مورد استفاده قرار داده‌اند (Pound & Lee, 2011: 49). آغاز فعالیت هنر درمان‌گران در محیط‌های آموزشی مربوط به سه دهه‌ی پیش است (Nisenson, 2008: 43). در بین سایر عوامل هم، با توجه به دوگانگی‌ها، استفاده از هنردرمانی می‌تواند توازن مناسب هیجانات را در کودکان ایجاد کند (امینی، ۱۳۹۰: ۱۰۲-۱۰۷). هنگامی که مدارس از روش هنردرمانی استفاده می‌کنند، به کودکان کمک می‌کنند که از طریق برداشتن موانع عاطفی و رفتاری، پیام‌زنند (Nisenson, 2008: 44) و در عملکردشان در مدرسه، خلاقیت، خودآگاهی و ارتباط با

دوستان پیشرفت کنند (Aguila, 2004: 72) یکی از ابزارهای هنری مناسب در آموزش، هنر نمایش است. نمایش درمانی یا همان نمایش خلاق از انواع هنردرمانی است که در مراکز آموزشی به نتایج مثبتی رسیده است (Fransen, 2003: 106) و می‌توان از آن در فعالیتهای آموزشی کودکان عقب مانده‌ی ذهنی استفاده کرد (قاسم‌تبار و همکاران، ۱۳۹۱؛ ۴۱۰). نمایش یکی از ارکان بازی است و به دلیل داشتن جنبه‌های گوناگون می‌تواند بسیاری از توانایی دانش‌آموزان را از قوه به فعل تبدیل کند (Aguila, 2004: 72). نمایش برخلاف قالب‌های روایتی که به بازگویی رویدادهای گذشته و خاتمه‌یافته گرایش دارند، در ابدیت زمان حال جاری است، در اکنون و این‌جا نه در آن‌وقت‌ها و آن‌جاها (حسین‌خانزاده، ۱۳۹۳: ۸۴). مهم‌ترین ویژگی‌هایی که هنر تئاتر و نمایش را واجد ویژگی‌های درمانی می‌کند، این است که تئاتر باعث درگیری شخصیت‌های محوری با موقعیت و درک فضا و نمادها می‌شود و بدین ترتیب به تحریک نیم‌کره‌ی راست می‌انجامد و تحریک این نیم‌کره، افزایش آگاهی فضایی و حافظه عاطفی را در پی دارد (دادستان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۸). نمایش خلاق^۵ نوعی از نمایش فرایندمحور گفته می‌شود که هدف نهایی آن اجرای عمومی کار نمایشی نیست. بلکه شیوه‌ای برای آموزش و یادگیری است (رضایی و حسینی نسب، ۱۳۹۶: ۲۰). همچنین نمایش خلاق فرایندی جهت افزایش خلاقیت و توانایی حل مسأله است و می‌تواند شامل بازی‌های نمایشی، اجرای قصه، سفرهای تخیلی، بازی‌های تئاتری، موسیقی و رقص، قصه، سفرهای تخیلی، بازی‌های تئاتری، موسیقی و رقص باشد (آشفته‌گوراب زرمجی و همکاران، ۱۳۹۵) با استفاده از فنون نمایشی خلاق، می‌توان انسان‌هایی را برای زندگی متعادل آماده کرد؛ آن‌ها را آگاه‌تر، تواناتر، و مجهزتر به مصاف مشکلات جهان معاصر فرستاد (آقاعباسی، ۱۳۸۸: ۱۰۶). نمایش خلاق بینش کودک را گسترش می‌دهد، وی را قادر می‌سازد تا خود را بشناسد و شخصیت، نقاط قوت و ضعف، ظرفیت‌های حرکتی و زبانی و علایق خاص خود را کشف کند. طولی نمی‌کشد که او توانایی مهار عواطف، عقاید و افکار خود را رشد می‌دهد و یاد می‌گیرد که به‌طور خودانگیخته، سریع و به شیوه‌ای مناسب به بیان و انتقال عقاید خود بپردازد (آشفته‌گوراب زرمجی و همکاران، ۱۳۹۵). در این بین پژوهشگرانی چون تامارا می و همکارانش^۶ (۲۰۱۹) به تأثیر فیزیکی، ادراکی، روانی و اجتماعی رقص در کودکان معلول پرداختند و پی بردند که اجرای برنامه رقص برای کودکان معلول می‌تواند به آن‌ها در توسعه برخی از مهارت‌ها مطابق با توانایی‌های فردیشان کمک کند. ارکان گولگوسترن و همکارانش^۷ (۲۰۱۸) به تأثیرات تمرین رقص و ریتم بر سطوح فعالیت‌های زندگی روزانه در کودکان آموزش‌پذیر با کم‌توانی ذهنی پرداختند و نشان دادند که این نوع تمرینات باعث بهبود مهارت‌های حرکتی و همچنین ارتقاء ادراکات کودکان نسبت به فعالیت‌های روزانه خود شده است. ماشال پورفرد^۸ (۲۰۱۸) در پژوهشی به کارایی داستان‌گویی بر مؤلفه‌های مهارت‌های ارتباطی در کودکان آموزش‌پذیر با کم‌توانی ذهنی به این نتیجه رسید که داستان‌گویی باعث بهبود مهارت‌های ارتباطی کودکان کم‌توان ذهنی است. همچنین اریم و کافروگلو^۹ (۲۰۱۷) به تعیین توسعه مهارت‌های حرکتی کودکان کم‌توان ذهنی از طریق استفاده از هنرهای دیداری پرداختند و دریافتند که آموزش مبتنی بر هنر دیداری نقشی مهم در توسعه مهارت حرکتی و بهبود هماهنگی چشم و دست کودکان کم‌توان ذهنی ایفاء می‌کند. پکدوگان و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۶) در بررسی اثرات نمایش خلاق بر مهارت ادراک خودکفایی در برنامه آموزشی دانش‌آموزان نشان دادند آموزش نمایش خلاق بر مهارت ادراک خودکفایی دانش‌آموزان تأثیر مثبت داشته است. گوراب زرمجی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی دریافتند که نمایش خلاق بر اختلالات رفتاری و هوش هیجانی کودکان پیش‌دبستانی اثر معناداری دارد و موجب کاهش اختلالات رفتاری و افزایش هوش

هیجانی در آن‌ها شده است. نادری و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند که نمایش خلاق در کاهش مشکلات رفتاری کودکان تحت مطالعه محققان مؤثر بوده است. همچنین قاسم تبار و همکاران (۱۳۹۱) در تعیین اثربخشی نمایش خلاق اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی منطقه ۸ تهران با استفاده از تحلیل کوواریانس نشان دادند که نمایش خلاق، تحول اجتماعی کودکان را به‌طور معناداری افزایش داده است. جعفری (۱۳۸۹) به بررسی تأثیر نمایش خلاق بر رفتار کودکان پیش‌دبستانی پرداخته و دریافتند که اجرای نمایش موجب رشد مشارکت، بروز خلاقیت و اعتمادبه‌نفس کودکان پیش‌دبستانی می‌شود. لاریجانی و رزاقی (۱۳۸۷) در بررسی کاربرد هنرهای نمایشی در رشد اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی دریافتند که شیوه‌های آموزش نمایشی در سطح اطمینان ۹۹٪ موجب افزایش رشد اجتماعی کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر ۹ تا ۱۱ ساله می‌شود. با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش می‌توان گفت که هدف تحقیق حاضر بررسی تأثیر نمایش خلاق در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس است.

چارچوب نظری

نمایش خلاق

نمایش خلاق، فرایندی مداوم است که بر اساس مجموعه‌ای از مفاهیم و مهارت‌های به‌هم‌پیوسته و رو به تکامل نظیر بداهه‌سازی، روش‌های تعلیم‌وتربیت، روان‌شناسی و هنرهای مختلف شکل می‌گیرد. بنابراین وسایل ارتباط‌جمعی، روزنامه‌ها، داستان‌های تخیلی، هنرهای تجسمی، موسیقی، رقص و هر منبع موردعلاقه‌ی گروه که ظرفیت غنی بالقوه‌ای برای بازی، کشمکش، شخصیت‌پردازی، استفاده از زبان گفتاری، حرکت، درگیری حسی و تخیلی، گسترش تمرکز، عاطفه، درک، تربیت بدن و تقویت هویت را داشته باشد، می‌تواند به‌عنوان منبع در نمایش خلاق به کار گرفته شود. افسانه‌ها، داستان‌های قومی و اسطوره‌ها نیز منبعی غنی برای نمایش خلاق به شمار می‌آیند. چراکه کودکان و نوجوانان به افسانه‌ها، اسطوره‌ها و حماسه‌ها دل می‌بندند و از خواندنشان و نیز از بهره‌گیری از آن‌ها در اشکال مختلف نمایشی لذت می‌برند. «اسطوره‌ها و حماسه‌ها با جادوی کلامی و محتوایی، پیام خود را به مخاطبان نشان انتقال می‌دهند و درعین حال ایشان را بافرهنگ خودی، آشنا می‌سازند.» (بالازاده، ۱۳۸۵: ۵۷)

درواقع اسطوره‌ها مانند رؤیا، عقاید و افکار فلسفی و مذهبی و وقایعی را که در زمان و مکان اتفاق افتاده‌اند و نیز تجربیات روانی مهم انسان را به زبان سمبولیک بیان می‌کند. (فروم، ۱۳۸۸: ۸۸) و اتفاقاً همین زبان سمبولیک باعث الهام در بسیاری از آثار در حوزه ادبیات کودک و نوجوان شده است. نکته‌ی مهم دیگر حضور و مشارکت کودکان و نوجوانان در برخی آیین‌ها و مراسمی است که جنبه‌های اسطوره‌ای-نمایشی دارند، از این طریق آن‌ها خود را هم‌چون بزرگسالان در مسایل عمده‌ی شهر، روستا و قلمرو خود سهیم و شریک می‌انگارند و روحیه همکاری و مشارکت در آن‌ها تقویت می‌شود. برای نمونه آیین‌های اساطیری «باران خواهی»، «ماه‌گرفتگی»، «درخواست خورشید»، «شب یلدا»، «چهارشنبه‌سوری» و ... از جمله نکات مشترک اسطوره‌ها و افسانه‌ها با بازی‌های کودکان این است که در اساطیر هم مانند خصیصه اصلی ذهنی کودک، جاندارپنداری^{۱۱} لحاظ شده؛ مانند حضور نمادها و تمثیل‌های انسانی، حیوانی، عددی و اشیا که در افسانه‌ها رایج است. کودک در افسانه با این شخصیت‌ها چه به‌صورت انسانی و چه غیرانسانی روبه‌رو می‌شود؛ شخصیت‌هایی که حتی از نوع انسانی‌اش جملگی فانتزی و متعلق به دنیای خیال هستند.

او با تخیل‌پردازی و ذهنیت فانتزی و نیز نگاه آنیمیمی، جهان افسانه‌ها و رنج و شادی‌های شخصیت‌های آن را درک می‌کند، «کودک به دلیل تجربه کمی که از مواجهه با واقعیت دارد، جهان خود را بر پایه‌ی عواطف استوار می‌کند. به این دلیل است که دنیای تخیل و فانتزی را به سرعت می‌پذیرد و باور می‌دارد. از آنجاکه اساس افسانه را تخیل تشکیل می‌دهد، از منطق و عادت روزانه جهان بیرون خارج می‌شود و به دنیایی قدم می‌گذارد که منطق خاص خود را دارد. این روند، دقیقاً در نمایش هم انجام می‌پذیرد. همه‌ی گونه‌های افسانه‌ها و اساطیر همچون حیوانات، جادویی، فکاهی و حماسی و دینی و عاشقانه، می‌توانند به مدد نمایش، موضوعات مناسبی برای نمایش خلاق باشند و مفاهیم گسترده‌ی خود را بر جان کودک حک کنند.» (اکبرلو، ۱۳۸۵: ۴۵). کودکان می‌توانند از تخیل خود، هم برای جان‌بخشی، شکل دادن و بازیابی اسطوره‌ها و افسانه‌ها بهره‌گیرند و هم معانی تازه‌ای از دل آن‌ها استخراج کنند که مسایل و مشکلات زمانه را نیز بازتاب بدهند. داستان‌هایی که روحیه‌ی ایثار، شجاعت، جوانمردی، میهن‌پرستی و انسانیت و اخلاق و حتی مسایل و ارزش‌های دینی را در میان کودکان و نوجوانان می‌گستراند (بالازاده، ۱۳۸۵: ۶۵).

خوشبختانه، ادبیات غنی سرزمینمان سرشار از قصه‌ها، افسانه‌ها و اساطیری است که می‌تواند دستمایه کار نمایش خلاق شود، آثاری هم‌چون: کلیده‌ودمنه، هزارویک‌شب، شاهنامه، افسانه‌ها و آیین‌های ملی و دینی نواحی مختلف، تمثیل‌ها و ضرب‌المثل‌ها و بازی‌های محلی. البته باید در نظر داشت برای کودکان در سنین پایین‌تر باید قصه‌ها به گونه‌ای انتخاب شود که از پیرنگ‌های ساده و شخصیت‌های پویا برخوردار باشد. به‌خصوص برای این گروه سنی می‌توان از شعر نیز بهره برد. چراکه برای کودکان، آسان است که خود را در اعمال و عواطف شعرها نشان دهند. می‌توان سبک‌های مختلفی را در انتخاب شعر در نظر گرفت اما باید توجه کرد که زبان شعر باید ساده و قابل فهم برای کودکان باشد. «بعضی از اشعار، همچون بازی‌های لفظی به پرورش بیان و تمرکز کمک می‌کنند، برخی دیگر از اشعار کودکانه و ترانه بازی‌ها به ایجاد حرکت آهنگین و آشنایی با ریتم منجر می‌شوند. همچنین بعضی دیگر جزو اشعار روایی هستند. این اشعار، داستانی را روایت می‌کنند یا تصاویری دارند که می‌توان آن را بازی کرد. بعضی از این اشعار قابلیت همخوانی با ضرباهنگ‌های مختلف دارند. بعضی از آن‌ها را مربی، میر یا اوستا می‌خواند و بچه‌ها به‌طور گروهی در بازی شرکت می‌کنند و بخش‌هایی را پاسخ می‌دهند، بعضی را هم فقط مربی می‌خواند و بچه‌ها به‌صورت پانتومیم، عناصر آن‌ها را با بازی تجسم می‌بخشند. در ادبیات عامیانه و شفاهی ایران کم نیست نمونه‌هایی از این ترانه‌ها و اشعار روایی به‌گوش‌ها و لهجه‌های مختلف که می‌تواند دستمایه‌ی کار مربیان نمایش خلاق قرار گیرد.» موضوعات درسی و مفاهیم علمی نیز از جمله منابع دیگر نمایش خلاق به شمار می‌آیند. سفر به اعماق زمین، زیردریا، جنگل، کرات و کهکشان‌ها، زندگی حیات وحش، آشنایی با اعداد ریاضی، معرفی سرزمین، شخصیت‌ها، ایام و وقایع و مشاغل همچنین آموزش رفتارهای اجتماعی هم‌چون زندگی شهری و آپارتمان‌نشینی، رعایت قوانین راهنمایی‌وراندگی، احترام به حقوق دیگران، مهربانی با حیوانات، صرفه‌جویی در مصرف انرژی‌ها و رعایت بهداشت و همچنین خاطرات و مشاهدات و دریافته‌های درونی و ذهنی کودکان نسبت به یک پدیده یا اتفاق و یا یک رخداد ساده‌ی روزمره، می‌تواند محتوا و دستمایه نمایش خلاق قرار گیرد. «مطالب روزنامه‌ها، فیلم‌های سینمایی، هنرهای تجسمی، نوارهای موسیقی، انواع بازی‌های نمایشی، حرکات موزونی که موضوع دارند مثل رقص‌های جمع‌آوری غله، جمع‌آوری تور ماهیگیری و امثال آن، گاهی حتی عکس یا تصویری می‌تواند ایده‌ی خوبی برای ساخت داستان نمایشی باشد.» لازم‌به‌ذکر است به کار بردن بازی‌هایی برای تقویت حواس پنج‌گانه، تمرکز، خودآگاهی و عزت‌نفس، تعامل گروهی

و رشد و تقویت مهارت‌های مواجهه با مسأله و حل آن نیز می‌تواند از دیگر موضوعاتی باشد که جزو مواد و منابع کار نمایش خلاق قرار می‌گیرد.

به‌طور خلاصه می‌توان هر منبعی که ظرفیت غنی بالقوه‌ای برای بازی، کشمکش، شخصیت‌پردازی، استفاده از زبان گفتاری، حرکت، درگیری حسی و تخیلی، گسترش تمرکز، عاطفه، درک، تربیت بدن و تقویت هویت داشته باشد، در نمایش خلاق آن را به کار گرفت.

داستان: افسانه‌ها، داستان‌های قومی و اسطوره‌ها منبعی غنی برای نمایش خلاق به شمار می‌آیند. در استفاده از داستان‌ها برای ساختن نمایش‌نامه و نمایش لزومی به رعایت قواعد نمایش‌نامه‌نویسی نیست، چون اصلاً در نمایش خلاق هدف این نیست که اثری هنری بیافرینیم.

کتاب‌های کودکان: براساس مضمون یک کتاب کودک می‌توان تمرین‌های دست‌گرمی، بازی و پروژه‌های هنری را طراحی کرد.

شعر: از آنجاکه شعر معمولاً به زبان اول‌شخص سروده می‌شود، برای دست‌اندرکاران ساده است که خود را در اعمال و عواطف شعرها نشان دهند. به هنگام انتخاب شعر سبک‌های مختلف را باید در نظر داشت و نیز باید توجه کرد زبان ساده و قابل‌فهم برای بچه‌ها باشد.

منابع درسی: موضوع‌های درسی و مفاهیم علمی را نیز می‌توان از جمله منابع نمایش خلاق به شمار آورد. منابع دیگر: از مطالب روزنامه، فیلم‌های سینمایی، هنرهای تجسمی، نوارهای موسیقی، انواع بازی‌های نمایشی، حرکت‌ها (رقص‌ها) پی‌که موضوع دارند (مثل رقص‌های جمع‌آوری غله، جمع‌آوری تور ماهیگیری و امثال آن) یاد می‌شود بر مبنای آن‌ها داستان‌هایی را ساخت و برای نمایش خلاق استفاده کرد. گاهی حتی می‌توان عکس یا تصویری را نشان داد و براساس آن داستانی را به وجود آورد (آقاعباسی، ۱۳۸۸، ۳۷).

اصول نمایش خلاق

نمایش خلاق دارای اصولی است اگر یک اصل از اصول آن حذف یا درست رعایت نشود، پدیده تغییر ماهیت نمی‌دهد اما باید گفت که از اهداف و کاربردهایش فاصله می‌گیرد. در این قسمت به این اصول اشاره می‌شود:

اصل اول: بازیگری کودک و نوجوان

در نمایش خلاق مخاطب بازیگر است و نه تماشاگر و نمایش خلاق از دو عنصر انسانی «مربی» و «کودک و نوجوان» تشکیل می‌شود که عنصر دوم یعنی کودک و نوجوان عنصر اصلی است. بازیگری نمایش خلاق، از دو عنصر بیان «کلام و حرکت» پدید می‌آید که دومی بر اولی اولویت دارد؛ بر بازیگری تأکید می‌شود و از آن به‌عنوان اصل اول نمایش خلاق نام برده می‌شود. اصل بازیگری کودک و نوجوان در نمایش خلاق بحث جدیدی نیست و بیشتر راهنمایی است برای مربیانی که سر کلاس فقط خودشان فاعل و متکلم‌الوحده هستند و هرگونه عمل و خلاقیت را از کودک می‌گیرند و کودک مجبور به تقلید کورکورانه از مربی می‌شود. زندگی پدیده‌ی پیچیده و عملی است که کودک، فقط با نمایش است که می‌تواند با تقلید خلاقه به آن نزدیک شود و آن را به‌طور عملی و از نزدیک تجربه کند.

اصل دوم: بداهه‌پردازی

بداهه‌پردازی در نمایش خلاق یعنی، در لحظه خلق کردن بازیگر. کودک یا نوجوان بازیگر بدون برنامه قبلی و از پیش تعیین شده، به حرکت آفرینی و بیان کلام دست می‌دهد و حدود آن در چهارچوب و قالب کلی یک بازی نمایش محدود است و تجاوز از آن سبب به هم خوردن بازی می‌شود. این قانون یا اصل تا جایی پذیرفته است که به گرم شدن بازی کمک و از به هم خوردن آن خودداری کند. بدون این اصل خلاقیت کودک و نوجوان بروز نمی‌کند تا رشد و پرورش یابد. کودک با اصل بداهه است که می‌تواند دست به تجربه‌های تازه بزند و آنچه در درون دارد بیرون می‌ریزد و خود را تخلیه می‌کند. کودک با این اصل دست به سازندگی و آفرینش جدیدی، مطابق با ذهن خودش، مطابق با نیاز جامعه‌اش می‌زند. درحقیقت آینده‌ی کودک و جامعه‌ی آینده در این خلاقیت‌ها است که آهسته‌آهسته شکل می‌گیرد و در کل همه افراد باید بازی کنند و همه چیز را خود تجربه کنند بدون تمرین و پیش‌بینی؛ یعنی به‌گونه‌ای با بداهه‌پردازی اجرا شود.

اصل سوم: فاصله‌گذاری

اصل فاصله‌گذاری بدین معنا است که بین خودتان و نقش‌تان در نوسان هستند یعنی حرکت پاندولی نامنظم بین «خود» و «نقش» که این همان اصل فاصله‌گذاری است. از کاربردهای فاصله‌گذاری می‌توان به؛ ایجاد ارتباط، شناخت «خود» و «دیگران» و درک تفاوت آن‌ها، تقویت دید واقع بینانه و تأکید بر واقع‌گرایی اشاره کرد. این اصل در بازی‌های نمایشی کودکان به شکل غریزی وجود دارد و مربی در نمایش خلاق آگاهانه آن را به کار می‌گیرد و از کاربردهایش سود می‌برد.

اصل چهارم: ساده‌گرایی

ساده‌گرایی را نباید با سطح‌گرایی اشتباه کرد. ساده‌گرایی اصلی است برای کودک و نوجوان که کاربردهای مثبت و سازنده دارد؛ حال آنکه سطحی‌گرایی برعکس به دلیل عدم توجه به درون‌گری و عمق‌گرایی دارای کاربردهای منفی است. اصولی که در یک پدیده جمع می‌شوند، باید هماهنگی لازم را با یکدیگر دارا باشند، ساده‌گرایی دارای این هماهنگی است؛ حال آنکه سطحی‌گرایی، با آن ناهماهنگ است. به‌طور مثال یکی از کاربردهای نمایش «شناخت» است. سطحی‌گرایی با شناخت‌های همه‌جانبه و عمیق مغایرت دارد از کاربردهای این اصل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- حداکثر استفاده از امکانات و گریز از تجمل‌گرایی
- شتاب دادن به عمل بازیگری و پرهیز از عوامل بازدارنده

اصل پنجم: بازیگر مخاطب

در نمایش‌های حرفه‌ای از جمله «نمایش برای کودکان و نوجوانان» تماشاگر عنصری مهم است که در واقع نمایش برای او تدارک دیده می‌شود اما در نمایش خلاق، تماشاگری وجود ندارد تا نمایش برای او تولید شود و تماشاگر اصالت ندارد، می‌تواند نباشد. برنامه‌ریزی برای تماشاگر نیست و اصلاً پیام برای بازیگر تدارک

دیده شده است نه تماشاگر؛ و تماشاگر همان بازیگری که در صف نوبت اجرا قرار گرفته است. برای او تماشا مهم نیست، بلکه این اجرا است که اهمیت دارد (Pound, 2011).

بازی درمانی کودکان کم توان ذهنی

بازی درمانی^{۱۲}، از اولین راه‌های برقراری رابطه و شروع درمان برای کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر است. کتاب خوانی و قصه‌درمانی نیز از دیرباز در برقراری رابطه بین افراد و حتی فرهنگ‌ها، نقش مهمی ایفا می‌کرده است. کودکی که دچار کم‌توانی ذهنی است، پس از چیزی رنج می‌برد. آنچه اهمیت دارد این است که کودک نمی‌تواند رنج و دردش را بیان کند، کودکان هرگز به درمان‌گران مراجعه نمی‌کنند، آنان در هر شرایطی که باشند از تغییر بیشتر می‌هراسند و اگر در فشار باشند به هرکسی اعتماد نمی‌کنند و به همین دلایل است که درمان در کودکان به تأخیر می‌افتد و یا روند درستی را طی نمی‌کند. کودکان در بیان مشکلات دچار نقصان هستند آن‌ها به دامنه‌ی کلام برای بیان مسأله دسترسی ندارند. این‌جا است که درمان‌گر باید با غیرکلامی ساختن آنچه کلامی است، کودک را در این حیطه یاری کند، تا بتواند به او نزدیک شده از درون او آگاهی پیدا کند و پس از آن بتواند او را در مسیر درست بهبود قرار دهد. برای کودکان بازی حکم کلام دارد و به نظر می‌رسد یکی از بهترین روش‌های موجود برای بیان احساسات است. بازی درمانی روشی است که روان‌شناسان برای شناخت و درمان مشکلات و اختلالات در کودکان به کار می‌گیرند (گلدارد و گلدارد، ۱۳۸۳: ۳۵). در بازی درمانی، اسباب و وسایل بازی و بسیاری از انواع بازی‌ها برای کودک فراهم می‌شود و کودک از طریق آن‌ها بسیاری از مسائلیش را تقریباً آزادانه بیان می‌سازد. بازی در درمان کودکان کم‌توان ذهنی، همیشه یک ارتباط است که با کلمات یعنی وسیله ارتباط بزرگسالان قیاس می‌شود. بازی چیزی بیش از درمان از طریق کلمات نیست، همه درمان‌ها به یک رابطه‌ی درمانی و وسیله‌ی ارتباطی نیاز دارند. هدف بازی، تعیین‌کننده نقش و اهمیت آن در درمان است. بنابراین بازی به‌عنوان یک وسیله با بازی به‌عنوان یک تکنیک متفاوت است؛ می‌توان گفت که بازی درمانی که برای اهداف تشخیصی و درمانی به کار می‌رود، یک تکنیک است (لندرث، ۱۳۸۴: ۴۷).

نقش بازی درمان‌گر

در برخی کشورها، هیچ آمادگی حرفه‌ای خاصی برای بازی درمانی وجود ندارد. بازی درمان‌گران اطلاعاتشان را از راه‌های مختلفی به‌دست می‌آورند. روان‌درمان‌گران کودک و هنر درمان‌گران در کار خود با کودکانی که به‌شدت آشفتگی هستند از بازی درمانی برای درک عمیق آن‌ها استفاده می‌کنند، کار آن‌ها تنها بر جلسات درمانی متمرکز است. درمان‌گر ممکن است با دیگری در دنیای کودک از جمله، والدین و مربیان در کلینیک راهنمایی کودک، مراکز روزانه یا شبانه‌روزی کار کند. در بازی درمانی همانند سایر اشکال روان‌درمانی، درمان‌گر مداخلات خود را با نیازهای هر مراجع و اهداف خاص درمانی هر مورد سازگار می‌کند (محمد اسماعیل، ۱۳۸۳: ۷۵). اکسلاین در تعریف نقش درمان‌گر در جریان بازی درمانی می‌نویسد:

۱. درمان‌گر باید خیلی سریع فضای گرم و دوستانه‌ای در اتاق بازی درمانی برای کودک فراهم آورد.
۲. درمان‌گر باید کودک را همان‌گونه که هست بپذیرد. (هیچ سؤالی نباید مانع باشد).
۳. درمان‌گر باید در ایجاد و ثبت ارتباط با کودک به‌گونه‌ای مسامحه کند که کودک احساس کند به‌راحتی می‌تواند احساسش را نشان داده یا بیان کند و در بیان آن آزاد است.

۴. درمان‌گر باید پس از شناخت عواطف و احساسات کودک بکوشد تا با منعکس کردن آن‌ها به کودک در او نسبت به رفتارهایش بینش لازم را پدید آورد یعنی در ابتدا تشخیص و سپس انعکاس آنچه کودک بیان کند.
۵. درمان‌گر باید به مهارت‌های حل مشکل توجه داشته باشد و به کودک احترام بگذارد.
۶. درمان‌گر باید عمیقاً باور داشته باشد که کودک در شرایط مناسب توان حل مشکلات خویش را دارد.
۷. درمان‌گر باید هیچ تلاشی در هدایت رفتار با سخن کودک انجام ندهد و کودک در بازی درمانی رهبر جریانات باشد.
۸. درمان‌گر باید در امر درمان صبور بوده، هیچ شتابی به خرج ندهد تا روند درمان به‌طور طبیعی طی شود.
۹. درمان‌گر باید در جریان درمان بکوشد تا محدودیت‌هایی را که کودک در جهان بیرون خود با آن‌ها مواجه است رفع کند، به‌علاوه سعی کند تا کودک را به مسئولیتی که در ارتباط با دیگران دارد، واقف سازد. (اکسلاین ۷۴۹۱، به نقل از لندرت، ۴۸۳۱: ۴۷۱).

روش

طرح پژوهش حاضر، از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل^{۱۳} است. این طرح دارای دو گروه تعداد ۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه شاهد و هر گروه دو بار مورد مشاهده (اندازه‌گیری) قرار گرفت. نخستین مشاهده با اجرای پیش‌تست و دومین آن با اجرای یک پس‌تست بود.

ابزار سنجش

پرسشنامه آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر (مهارت‌های ادراکی، توانایی یادگیری، قابلیت حل مسأله، توسعه زبان) است. پرسشنامه آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر شامل ۴۵ سؤال است که به‌منظور توصیف آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی طراحی شده است. روش آمار استنباطی شامل تحلیل کواریانس چندمتغیری^{۱۴} (MANCOVA) و تحلیل کواریانس یک‌راهه است. همچنین جهت تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از نرم‌افزار (SPSS) نسخه ۲۵ استفاده شد.

شیوه اجرای پژوهش

در این پژوهش آزمودنی‌ها در دو گروه ۱۵ نفری جایگزین شد و سپس تست‌های موردنظر بر روی هر دو گروه اجرا شد، بعد از آن گروه آزمایش به مدت ۲ ماه و هر هفته ۳ جلسه و به میزان ۳۰ تا ۴۵ دقیقه جمعاً ۱۶ ساعت متغیر بازی را دریافت کردند. جامعه آماری تحقیق حاضر، دانش‌آموزان دختر و پسر پایه پنجم و ششم ابتدایی به تعداد ۱۸۰ نفر است که از این تعداد ۳۰ نفر (۱۵ نفر به‌عنوان گروه کنترل و ۱۵ نفر به‌عنوان گروه آزمایش) به‌صورت غیرتصادفی با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

یافته‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در سطح آمار توصیفی،

از میانگین، انحراف معیار و واریانس و در سطح آمار استنباطی از آزمون کولموگروف اسمیرنوف و آزمون شاپیرو و یک برای بررسی فرض نرمال بودن متغیرها استفاده شد. همچنین از تحلیل کواریانس چندمتغیری (MANCOVA) و تحلیل کواریانس یک‌راهه برای بررسی فرضیات پژوهش به کار رفت. نتایج آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ تجزیه و تحلیل شدند.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی مهارت‌های ادراکی، توانایی یادگیری، قابلیت حل مسأله و توسعه زبان دو گروه قبل و بعد از مداخله آزمایشی

گروه	آزمون	تعداد	حداقل نمره	حداکثر نمره	میانگین	انحراف معیار
مهارت‌های ادراکی	پیش‌آزمون	۱۵	۱/۲۵	۲/۸۸	۱/۸۸۲۳	۰/۴۹۶۷۹
	پس‌آزمون	۱۵	۲/۲۵	۴/۹۵	۳/۸۰۶۰	۰/۸۷۰۲۰
کنترل	پیش‌آزمون	۱۵	۱/۷۵	۴/۵۰	۲/۹۰۰۰	۰/۸۱۳۱۲
	پس‌آزمون	۱۵	۱/۷۵	۴/۵۰	۲/۹۱۶۷	۰/۸۲۴۶۶
توانایی یادگیری	پیش‌آزمون	۱۵	۱/۱۰	۳/۴۰	۱/۹۲۳۳	۰/۷۳۵۸۸
	پس‌آزمون	۱۵	۲/۵۰	۴/۹۸	۳/۵۳۰۷	۰/۸۵۴۳۰
کنترل	پیش‌آزمون	۱۵	۲/۵۰	۴/۰۰	۳/۱۲۶۷	۰/۴۳۰۰۶
	پس‌آزمون	۱۵	۲/۲۵	۳/۸۵	۳/۱۳۱۳	۰/۴۶۸۳۵
قابلیت حل مسأله	پیش‌آزمون	۱۵	۱/۰۸	۲/۹۲	۱/۹۷۴۱	۰/۷۰۶۰۲
	پس‌آزمون	۱۵	۲/۲۳	۴/۸۷	۳/۶۵۱۹	۰/۸۰۸۸۵
کنترل	پیش‌آزمون	۱۵	۲/۳۸	۳/۵۸	۳/۰۱۰۳	۰/۴۷۴۹۶
	پس‌آزمون	۱۵	۲/۳۸	۳/۸۵	۳/۰۴۱۰	۰/۴۴۴۶۲
توسعه زبان	پیش‌آزمون	۱۵	۱/۰۵	۲/۸۳	۱/۹۶۹۳	۰/۶۳۴۷۹
	پس‌آزمون	۱۵	۲/۶۷	۴/۹۲	۳/۶۵۰۲	۰/۸۱۵۶۴
کنترل	پیش‌آزمون	۱۵	۱/۶۷	۴/۰۰	۲/۹۵۵۶	۰/۵۸۰۶۶
	پس‌آزمون	۱۵	۱/۶۷	۳/۵۸	۳/۰۰۰۰	۰/۵۱۹۴۶

قبل از اجرای تکنیک نمایش خلاق بر مهارت‌های ادراکی در گروه آزمایش حداقل نمره برابر با ۱/۲۵ و حداکثر برابر ۲/۸۸، میانگین برابر با ۱/۸۸، انحراف معیار برابر با ۰/۴۹۶۷ بوده است. این مقادیر پس از اجرای تکنیک نمایش خلاق در مهارت‌های ادراکی در پس‌آزمون برابر با میانگین ۳/۸۰، انحراف معیار ۰/۸۷۰۲ تغییر یافته است. میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه کنترل مهارت‌های ادراکی به ترتیب از ۲/۹۰۰۰ به ۲/۹۱۶۷ تغییر یافته است. انحراف معیار نمرات ۰/۸۲۴۶ به ۰/۸۱۳۱۲ تغییر یافته است.

آزمون آماری نشان می‌دهد که تفاوت بین گروه‌های مورد مطالعه میانگین گروه آزمایش $3/80$ و میانگین گروه شاهد $1/88$ است. تکنیک اجرای نمایش خلاق بر توانایی یادگیری در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس در گروه آزمایش کم‌توان ذهنی نشان می‌دهد که تفاوت بین گروه‌های مورد مطالعه میانگین تکنیک اجرای نمایش خلاق بر قابلیت حل مسأله در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس در گروه آزمایش $3/65$ و در گروه شاهد $1/97$ است. تکنیک اجرای نمایش خلاق بر قابلیت حل مسأله در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس در گروه آزمایش مقدار بالاتری را با اطمینان 95% از نظر آماری نشان می‌دهد. آزمون آماری نشان می‌دهد که تفاوت بین گروه‌های مورد مطالعه میانگین تکنیک اجرای نمایش خلاق بر توسعه زبان در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس در گروه آزمایش $3/65$ و در گروه شاهد $1/96$ است.

قبل از اینکه فرضیه‌های این پژوهش آزمون شوند باید ابتدا از نرمال بودن متغیرها اطمینان حاصل شود. با توجه به عدد متناظر با معناداری اگر این عدد کوچک‌تر از P مورد نظر (معمولاً $P=0.05$) باشد در این صورت فرض H_0 را به نفع عدم توزیع نرمال متغیر مورد مطالعه قرار می‌گیرد ولی اگر مساوی یا بزرگ‌تر از عدد P باشد، به نفع نرمال بودن توزیع متغیر در نظر گرفته شود.

جدول ۲. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف و آزمون شاپیرو ویک برای بررسی فرض نرمال بودن

آزمون شاپیرو ویک		آزمون کولموگروف اسمیرنوف		آزمون شاپیرو ویک		
سطح معناداری	درجه آزادی	مقادیر آماری	سطح معناداری	درجه آزادی	مقادیر آماری	
۰/۰۹۸	۱۴	۰/۱۳۷	۰/۱۱۱	۱۵	۰/۱۱۱	مهارت‌های ادراکی گروه آزمایش
۰/۱۰۵	۱۴	۰/۱۷۹	۰/۲۱۴	۱۵	۰/۱۰۷	مهارت‌های ادراکی گروه کنترل
۰/۱۲۲	۱۴	۰/۱۳۴	۰/۲۰۰	۱۵	۰/۱۳۷	توانایی یادگیری گروه آزمایش
۰/۱۵۹	۱۴	۰/۱۳۷	۰/۰۹۶	۱۵	۰/۱۵۵	توانایی یادگیری گروه کنترل
۰/۱۰۹	۱۴	۰/۱۳۴	۰/۱۱۵	۱۵	۰/۱۲۰	قابلیت‌های حل مسأله گروه آزمایش
۰/۲۰۰	۱۴	۰/۱۳۵	۰/۱۲۶	۱۵	۰/۱۲۱	قابلیت‌های حل مسأله گروه کنترل
۰/۱۵۵	۱۴	۰/۱۲۶	۰/۲۰۰	۱۵	۰/۱۳۰	توسعه زبان گروه آزمایش
۰/۱۶۶	۱۴	۰/۰۴۹	۰/۲۰۰	۱۵	۰/۰۹۰	توسعه زبان گروه کنترل

نتایج نشان‌دهنده‌ی آن است که فرض نرمال بودن برای تمام متغیرهای تحقیق تأیید می‌شود چراکه سطح معنی‌داری آن‌ها مساوی و یا بزرگ‌تر از $0/05$ است (جدول ۲).
فرضیه اول تحقیق: نمایش خلاق بر مهارت‌های ادراکی در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس تأثیر دارد.

جدول ۳. خلاصه تحلیل کواریانس تأثیر نمایش خلاق بر مهارت‌های ادراکی در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری	اندازه اثر
مهارت‌های ادراکی	۳/۵۵	۱	۳/۵۵	۱/۴۹	۰/۲۶	۰/۱۱۲
گروه	۱۲۰/۰۱	۱	۱۲۰/۰۱	۴۰/۶۶	۰/۰۰۰	۰/۱۸۶
خطا	۱۲۳/۵۶	۲۷				

آماره‌ی آزمون F با مقدار ۴۰/۶۶ نشان می‌دهد که تفاوت بین گروه‌های مورد مطالعه با اطمینان ۰/۹۵ از نظر آماری معنادار است ($P < 0.05$). نتایج آزمون ($F = 40.66, P = 0.000$) و اندازه اثر از ۰/۱۱۲ به ۰/۱۸۶ افزایش یافته است.

فرضیه دوم: نمایش خلاق بر توانایی یادگیری در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس تأثیر دارد.

جدول ۴. آزمون کواریانس جهت بررسی تأثیر نمایش خلاق بر توانایی یادگیری در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری	اندازه اثر
توانایی یادگیری	۰/۱۳۰	۱	۰/۱۳۰	۱/۳۲۰	۰/۰۰۰	۰/۱۳۳
گروه	۲/۴۰۰۲	۱	۲/۴۰۰۲	۲۲/۳۳۵	۰/۰۰۴	۰/۳۹۸
خطا	۲۲/۵۳۰	۲۷				

نتایج آزمون ($P = 0.004, F = 22.335$) و اندازه اثر از ۰/۱۳۳ به ۰/۳۹۸ افزایش یافته است. فرضیه سوم: نمایش خلاق بر قابلیت حل مسأله در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس تأثیر دارد.

جدول ۵. آزمون کواریانس جهت بررسی تأثیر نمایش خلاق بر قابلیت حل مسأله در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری	اندازه اثر
قابلیت حل مسأله	۱/۴۲۰	۱	۱/۴۲۰	۱/۵۶۰	۰/۰۰۰	۰/۱۳۰
گروه	۲۰/۵۰۰	۱	۲۰/۵۰۰	۲/۳۳۸۲	۰/۰۰۱	۰/۱۴۹
خطا	۲۱/۹۲۰	۲۷				

نتایج آزمون ($P=0.001, F=22.338$) و اندازه اثر از $0/130$ به $0/149$ افزایش یافته است. فرضیه چهارم: نمایش خلاق بر توسعه‌ی زبان در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس تأثیر دارد.

جدول ۶. آزمون کواریانس جهت بررسی تأثیر نمایش خلاق بر توسعه زبان در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری	اندازه اثر
توسعه زبان	۱/۳۰۰	۱	۱/۳۰۰	۱/۶۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۲۲
گروه	۱۷/۵۰۰	۱	۱۷/۵۰۰	۲۵/۳۲۱	۰/۰۰۰	۰/۱۵۸
خطا	۱۸/۸۰۰	۲۷	۱۸/۸۰۰			

نتایج آزمون ($P=0.000, F=25.321$) و اندازه اثر از $0/122$ به $0/158$ افزایش یافته است، نشان‌دهنده‌ی تأثیر نمایش خلاق بر توسعه زبان در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر نمایش خلاق در بازیابی و توسعه‌ی مهارت و نگرش خلاق کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر انجام گرفته است. نتایج آزمون نمایش خلاق بر مهارت‌های ادراکی در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس آماری ($F=0.000, P=0.000$) با مقدار $0/66$ نشان می‌دهد که تفاوت بین گروه‌های مورد مطالعه با اطمینان $0/95$ از نظر آماری معنادار است ($P<0.05$). و اندازه‌ی اثر از $0/112$ به $0/186$ افزایش یافته است. نمایش خلاق بر توانایی یادگیری در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس تأثیر دارد. نتایج آزمون ($P=0.004, F=22.335$) و اندازه‌ی اثر از $0/133$ به $0/398$ افزایش یافته است. نمایش خلاق بر قابلیت حل مسأله در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس تأثیر دارد. نتایج آزمون ($P=0.001, F=22.338$) و اندازه‌ی اثر از $0/130$ به $0/149$ افزایش یافته است. نمایش خلاق بر توسعه زبان در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس تأثیر دارد. نتایج آزمون ($P=0.000, F=25.321$) و اندازه‌ی اثر از $0/122$ به $0/158$ افزایش یافته است، نشان‌دهنده‌ی تأثیر نمایش خلاق بر توسعه زبان در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس است.

نمایش خلاق کودکان تلفیقی از بازی و قصه است. دانستن تأثیرات نمایش خلاق در رفع مشکلات آموزشی کودکان عقب‌مانده‌ی ذهنی به ما کمک می‌کند تا در درمان قدم‌های محکم‌تری برداریم. به‌طورکلی درام‌درمانی کودکان نتیجه‌ی تلاش نظریه‌پردازان و روان‌شناسانی است که سال‌ها برای کودکان کار کرده‌اند و با ایجاد تئوری‌ها و نظریه‌هایی مسیر را برای تحقیقات و تلاش‌های بعدی صاف کرده‌اند. این نظریه از قصه‌درمانی آغاز می‌شود و با هنردرمانی و بازی‌درمانی کامل می‌شود. اما بهتر این است که قبل از اندیشه

درمان این کودکان، به ایجاد رابطه خوب و قوی با آن‌ها بیاندیشیم رابطه‌ای که ما را به دنیای درون آن‌ها نزدیک‌تر کند. برای شروع یک رابطه‌ی با کودک عقب‌مانده‌ی ذهنی بهتر است راهی به درون او بیابیم حتی اگر واکنشی داشته باشد، مثلاً با شنیدن قصه‌ای گریه کند یا در یک بازی هیجانی عصبانی شود، این مسیری است برای درک درون وی؛ و ما حتماً باید به نفع کودک از آن استفاده کنیم. این‌گونه است که می‌توان با کمترین خطا برای درمان وی قدم برداشت. با دانستن قواعد درام‌نویسی و با دانستن ویژگی‌های تئاتر کودک، اکنون شاید بتوان برای گروه‌های مختلف کودکان عقب‌مانده‌ی ذهنی نمایش‌نامه‌ای را تعریف کرد. وظیفه درام در این‌جا بیشتر ایجاد ارتباط و ترغیب کودک به مشارکت بیشتر است، پس هرچه در نمایش بیشتر به کودک و دردش نزدیک شویم احتمال اینکه جواب بگیریم بیشتر است. همچنین به مربیان مهدها و مربیان مدارس می‌توانند این هنر را بیاموزند، زیرا هر کودک می‌تواند همراه با خود ایده‌ها و روش‌های جدیدی در نمایش خلاق یا بازی نمایشی به مکان آموزشی خود بیاورد. مهم این است که همه بیاموزند کودک یک عروسک نیست، او از همه افراد جامعه‌اش ظریف‌تر، شکننده‌تر و حساس‌تر است و برای خوب تربیت شدن وی باید همه تلاش کنند.

مطابق یافته‌ی نخست، نمایش خلاق بر مهارت‌های ادراکی در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس تأثیر معناداری دارد و تفاوت بین گروه‌های مورد مطالعه با اطمینان ۰/۹۵ از نظر آماری معنادار است و مقدار آن را افزایش می‌دهد این نتیجه با یافته‌های مطالعات امینی (۱۳۹۰) و اریم و کافروگلو (۲۰۱۷) هم‌سویی و هم‌خوانی دارد و یافته‌های آنان را تأیید می‌کند. نتایج فرضیه دوم نشان داد که نمایش خلاق بر توانایی یادگیری در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس تأثیر معناداری دارد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش افروز (۱۳۹۸) و وایت (۲۰۱۵) هم‌سویی و هم‌خوانی دارد و یافته‌های آنان را تأیید می‌کند. نتایج فرضیه‌ی سوم نشان داد که نمایش خلاق بر قابلیت حل مسأله در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس تأثیر معناداری دارد. تحلیل کوواریانس بین‌گروهی یک‌طرفه برای مقایسه تأثیر نمایش خلاق بر قابلیت حل مسأله در آموزش به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و دانش‌آموزان استثنایی در مدارس اجرا شد. مقدار آن را افزایش داده است؛ این نتیجه با یافته‌های پاند و لی (۲۰۱۱) و کلها (۲۰۲۰) هم‌سویی و هم‌خوانی دارد و یافته‌های آنان را تأیید می‌کند.

بنابراین کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر، بسیار باهوش هستند و نسبت به محرک‌های صحیح و جذاب محیط پیرامون خود، واکنش‌های مثبت و گاه حیرت‌آوری نشان می‌دهند. شاید باور برخی این باشد که تعلیم دادن این کودکان، اسراف در وقت و سرمایه و تعلیم دادن آن‌ها کاری عبث باشد، یا این‌که باید در نهایت در حد معمول به آن‌ها آموزش داد و کارهای پست‌تر جامعه را به آن‌ها محول کرد تا سربار و جیره‌خوار سایر مالیات‌دهندگان نباشند، حال آنکه چنین طرزتلقی چه ب لحاظ حرفه‌ای و علمی و چه به لحاظ انسانی اشتباه و مردود است و این قضیه نیز در کشورهای پیشرفته نیز اثبات شده که این کودکان نسبت به کودکان عادی فقط نیاز به زمان بیشتری جهت آموزش دارند و زمان گذاشتن برای آن‌ها بیهوده نیست. با توجه به تجربیات کشورهای پیشرفته آن‌چه از نظر علمی به اثبات رسیده است، این است که تقدم کودکان عادی یا استثنایی با آی‌کی‌یو بالا بر کودکانی که از این هوش خدادادی برخوردار نیستند، ارجحیت ندارد و چه‌بسا کودکان با ضریب هوشی بالا، فردای زندگی‌شان در جامعه دچار مشکلات و ناتوانی‌های بسیار خواهند شد و این کودکان هم برای خود و هم برای دیگران بسیار مفیدتر از افراد سالم باشند. بنابراین می‌توان برنامه‌ریزی کرد

که از چه ابزاری می‌توان به‌عنوان وسایل کمک‌آموزشی در جهت آموزش و تربیت بهره‌گرفت که در این میان نمایش خلاق می‌تواند یکی از ابزارهای تعلیمی تربیتی واقع شود.

در پایان نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد استفاده از نمایش خلاق منجر به افزایش مهارت‌های ادراکی، توانایی یادگیری، قابلیت حل مسأله و توسعه زبان می‌شود. بنابراین استفاده از آن در مدارس هم به‌عنوان یک محتوای مستقل و مجزا و هم به‌عنوان یک روش آموزشی جهت رشد مهارت‌های آن‌ها به مریبان و معلمین پیشنهاد می‌شود. همچنین توصیه می‌شود که این پژوهش در سایر مقاطع تحصیلی و نمونه‌هایی با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی متفاوت انجام شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Aggression
2. Self - Injury
3. Destructiveness
4. Stereotyped Mannerism
5. Creative Drama
6. May *et al*
7. Gülgösteren *et al*
8. Mashalpourfard
9. Erim & Caferoglu
10. Pekdogan *et al*
11. Animism
12. Play therapy
13. Pretest - Posttest Control Group Desing
14. Multivariate Analysis of Covariance (MANCOVA)

فهرست منابع

- افروز، غ. (۱۳۹۸). مقدمه‌ای بر روان‌شناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اکبرلو، منوچهر (۱۳۸۵)، پرواز پروانه خیال. تهران: انتشارات نمایش.
- امینی، ر. (۱۳۹۰). تئاتر پداگوژیک (تعلیمی - تربیتی مبانی و معیارها. چاپ اول، تهران: نشر افراز.
- آشفته‌گوراب زرمجی، م.، میرزمانی، س. م.، و بنی‌سی، پ. (۱۳۹۵). «اثر بخشی آموزش نمایش خلاق بر اختلالات رفتاری و هوش هیجانی کودکان پیش‌دبستانی». فصلنامه آموزش، مشاوره و روان‌درمانی، ۵(۲۰).
- آقاعباسی، یدالله (۱۳۸۸)، «نمایش خلاق، آزمایشگاه زندگی»، نشریه تخصصی تئاتر کودک، تک.
- آقاعباسی، ی. (۱۳۸۸). نمایش خلاق، قصه‌گویی و تئاتر کودکان و نوجوانان. چاپ سوم، تهران: نشر قطره.
- بالازاده، امیر کاووس (۱۳۸۵)، پروانه پرواز خیال، تهران: انتشارات نمایش.
- پزشکی، ش. (۱۳۹۳). «روش تدریس عقب‌مانده‌ی ذهنی». جزوه درسی کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- جعفری، م. (۱۳۸۹). «تأثیر نمایش خلاق بر رفتار کودکان پیش‌دبستانی». فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم، ۱(۱)، صفحه ۱۵۴.

- حسین خانزاده، ع. (۱۳۹۳). روانشناسی و آموزش کودکان و نوجوانان با نیازهای ویژه. تهران: آوای نور.
 - دادستان، ص.، صالح صادق پور، ب.، و اناری، ع. (۱۳۸۵). «اختلال اضطراب اجتماعی و نمایش درمانی»، روانشناسی تکاملی (روانشناسان ایرانی)، ۴(۱۴)، صفحه‌های ۱۱۵-۱۲۳.
 - رضایی، م.، و حسینی نسب، س. د. (۱۳۹۶). «اثربخشی نمایش عروسکی بر مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت در کودکان پیش‌دبستانی شهرستان مراغه». نشریه علمی پژوهشی آموزش و ارزشیابی، ۱۰(۲۰)، صفحه‌های ۱۳-۲۶.
 - فروم، اریش (۱۳۸۸). زبان اذدست‌رفته، ترجمه دکتر ابراهیم امانت، تهران: انتشارات مروارید.
 - فروم، اریش (۱۳۸۸). زبان اذدست‌رفته، ترجمه دکتر ابراهیم امانت، تهران: انتشارات مروارید.
 - قاسم‌تبار، س. ن.، الهویدی، ی.، حاجی تبار، م.، محمدجانی، ه.، و خسروی، ف. (۱۳۹۱). «تأثیر نمایش خلاق بر تحول اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی». فصلنامه روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)، ۸(۳۲)، صفحه‌های ۴۱۳-۴۰۵.
 - کنتراکتور، م. ر. (۱۳۸۵). کارکرد آموزشی نمایش عروسکی و نمایش خلاق. (ترجمه شیوا مسعودی)، تهران: نوروز هنر: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، اداره کل امور فرهنگی، موسسه آموزش عالی سوره.
 - گلدارد، کاترین و گلدارد، دیوید. (۱۳۸۳)، راهنمایی عملی مشاوره با کودکان، ترجمه مینو پرنیانی، تهران: رشد.
 - لاریجانی، ز.، و رازقی، ن. (۱۳۸۷). «بررسی کاربرد هنرهای نمایشی در رشد اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی». نشریه کودکان استثنایی (پژوهش در حیطه کودکان استثنایی)، ۸ (۱ پیاپی ۲۷)، صفحه‌های ۴۳-۵۲.
 - لندرت، گاری لی (۱۳۸۴). بازی درمانی، دینامیسم مشاوره با کودکان، ترجمه خدیجه آرین، تهران: انتشارات علمی تهران.
 - محمد اسماعیل، الهه. (۱۳۸۳) بازی درمانی، روش‌ها و نظریه‌های کاربردی بالینی، تهران: نشر دانه.
 - نادری، ن.، بشلیده، ک.، و عموری، م. (۱۳۹۴). «اثربخشی کتاب‌درمانی و نمایش خلاق بر مشکلات رفتاری کودکان دختر پیش‌دبستانی». مقالات دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی.
 - نظری، م. (۱۳۹۱). «تأثیر نمایش خلاق بر یادگیری زبان انگلیسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی دانشگاه خوارزمی.
- Aguila, L.A. (2004). The uses of art therapy with exceptional children. *Art therapy*. 14(3), 69-79.
 - Carmichael KD. (1993). play therapy and children with disabilities. *issues comprpediatr nurs*. 16(3), 73-165.
 - Cayir, N. A., Akhun, B., & Şimşek, P. Ö. (2016). A Study on Creative Drama in the Content of In-service Training with the Culture Teachers: Qualitative Analysis of the Participants' Views. *Eğitim ve Bilim*. 41(183), 69-99.
 - Culha, M. (2020). The Effect of Creative Drama on Student Success and Speaking Skill in Foreign Language Teaching. *International Technology and Education Journal*. 4(2), 52-64.
 - Emerson. Eric, (2001). *Challenging behavior, Analysis and intervention in people with severe intellectual disabilities*. Second edition, Cambridge University Press. 1995, 2001.
 - Erim, G., & Caferoglu, M. (2017). Determining the Motor Skills Development of Mentally Retarded Children through the Contribution of Visual Arts. *Universal Journal of Educational Research*. 5(8), 1300-1307.
 - Fransen, W. J. (2003). Process drama and creative problem solving: An integrated approach (Doctoral dissertation, Texas Tech University).
 - Gülgösteren, E., Demirci, P. T., & Ziyagil, M. A. (2018). The Effects of Rhythm and Dance Training on the Levels of Daily Living Activities in Trainable Mentally Handicapped Children. *International Journal of Disabilities Sports and Health Sciences*. 1(2), 15-23.

- Magnuson, M. (2008). Art as a cathartic tool for siblings of children with a hearing loss. *The American journal of art therapy*. 25(3), 201-209.
- Mashalpourfard, M. (2018). Effectiveness of Storytelling on the Components of Communication Skills in Educable Mentally-retarded Children. *Avicenna Journal of Neuro Psycho Physiology*. 5(1), 19-28.
- Matson, J. L., & Glidden, L. M. (2007). International Review of Research in Mental Retardation: Handbook of Assessment in Persons with Intellectual Disability.
- May, T., Chan, E. S., Lindor, E., McGinley, J., Skouteris, H., Austin, D., ... & Rinehart, N. J. (2021). Physical, cognitive, psychological and social effects of dance in children with disabilities: systematic review and meta-analysis. *Disability and rehabilitation*. 43(1), 13-26.
- Nisenson, K. (2008). Arts for healing: The importance of integrated music and art in therapy and special education. *The exceptional parent*. 38(3), 42-44.
- Pekdogan, S., & Korkmaz, H. (2016). Improving the Perception of Self-Sufficiency towards Creative Drama. *European Journal of Educational Research*. 5(3), 101-108.
- Pinter, r. eisenson, j. and Stanton. (1941). the psychology of the physically handicapped. new York
- Pound, L., & Lee, T. (2011). *Teaching Mathematics Creatively*. Routled getalor & Fracis Group. First Edition Published, New York.
- Pound. L., Lee. T.. (2011). *Teaching Mathematics Creatively*.Routledgetalor&Fracis Group, First Edition Published, New York
- Sparks, R. L. (2009). If you don't know whereyou're going, you'll wind up somewhere else: The case of foreign language learning disability. *Foreign Language Annals*. 42, 7-26.
- Wight, M. C. S. (2015). Students with learning disabilities in the foreign language learning environment and the practice of exemption. *Foreign Language Annals*. 48(1), 39-55. DOI: 10.1111/flan. 12122.
- Yeterge, H. T., Demirtas, V. Y., Coskun, U. H., & Kacar, G. V. (2019). The Effects of Creative Drama-Based Sensory Integration Training Program on Preschool Children's Self-Regulating Skills and Visual Perceptions. *International Online Journal of Educational Sciences*. 11(5), 73-91
- Zoltan. K., & Laszlo. T. (2011). Technologically and Artistically Enhanced Multi- Sensory. Computerprogramming Education, Sapientia University, *Mathematics Informaticsdepartment, Tirgumures, Romania*. 6(2), 41-46

Received: 2022/09/06
Accepted: 2022/04/16
Published: 2023/09/06

The Effects of Creative Show on the Recovery and Development of Creative Skills and Attitude of Mentally Retarded Children

Hamid Ghasemzadegan Jahromi, Ph.D. Student in Art Research, Faculty of Theoretical Sciences and Higher Art Studies, Farabi Campus, Art University, Tehran, Iran.

Esmacil Bani Ardalan, Associate Prof, Art Research Department, Faculty of Theoretical Sciences and Higher Art Studies, Art University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Behrouz Mahmoudi Bakhtiari, Associate Prof, Department of Performing Arts, Faculty of Performing Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

Abstract

Creative play is a way to teach and learn based on the universal tendency to play that is found in all humans. One of the appropriate art tools in education is the art of drama. Drama therapy or creative drama is a type of art therapy that has achieved positive results in educational centers and can be used in the educational activities of mentally retarded children. Drama is one of the pillars of the game and due to its various aspects, it can transform many of the students' abilities from ability to action. The present research aims to investigate the effect of creative drama on the recovery and development of creative skills and attitudes of disabled children. The design of the current research is of the type of pre-test and post-test with a control group, which is considered to be applied research from the point of view of the goal. The statistical population includes 180 mentally retarded male and female students of the 5th and 6th grades, of whom 30 people (15 people as control group and 15 people as experimental group) were selected non-randomly from available sampling. The data obtained from the research were analyzed using the method of multivariate covariance and one-way covariance analysis. The findings showed that creative presentation has an effect on perceptual skills in teaching mentally retarded children and exceptional students in schools. Creative presentation has an effect on the ability to learn in teaching mentally retarded children and exceptional students in schools. Creative presentation has an effect on problem solving ability in teaching mentally retarded children and exceptional students in schools. Creative play has an effect on the development of language in teaching mentally retarded children and exceptional students in schools, and therefore knowing the effects of creative play helps solve the educational problems of mentally retarded children so that stronger steps can be taken in improving their situation. Therefore, considering the positive effects of dramatic teaching methods (creative performances) in improving the development of creative skills and attitudes of mentally retarded children, it is useful to include this subject in the educational curriculum.

Keywords: Educable Mentally Retarded Children, Creative Show, Show Therapy.